



نشست علمی - پژوهشی
بیداری اسلامی و تمدن نوین اسلامی



شناسنامه نشست علمی - پژوهشی:

شماره نشست: ۲

نوع نشست: عمومی

استاد نشست: حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر امید

تعداد شرکت کنندگان: ۱۵۰ نفر

زمان: پنجشنبه مورخ ۱۳۹۱/۰۷/۱۳

مکان: سالن حسینییه موسسه آموزش عالی بنت الهدی

اهم اقدامات انجام شده:

۱. هماهنگی با دبیرخانه چهاردهمین جشنواره شیخ طوسی (ره) جهت معرفی استاد؛
۲. سفارش طراحی و چاپ پوستر و بنرهای تبلیغاتی نشست؛
۳. اطلاع رسانی در سطح موسسه؛
۴. هماهنگی سالن برگزاری نشست از لحاظ نور، صوت، تهویه و ...؛
۵. ثبت و ضبط نشست؛
۶. پیاده سازی متن سخنرانی استاد؛
۷. تهیه گزارش نشست.

اهم مباحث مطرح شده:

تعریف تمدن:

تمدن به مجموعه‌ای از آداب و رسوم، قوانین، مفاهیم، معارف، روابط، نظامات، ابزارها و فنون زندگی اجتماعی اطلاق می‌شود که براساس مبانی و غایات فرهنگی و نیازهای اجتماعی، طی یک فرآیند تاریخی توسعه و تکامل می‌یابد و در تمام یا بخشی از یک جامعه یا چند جامعه رواج پیدا می‌کند.

رابطه بین فرهنگ و تمدن

در بیان رابطه بین فرهنگ و تمدن سه دیدگاه عمده مطرح است. **دیدگاه اول** می‌گوید که فرهنگ و تمدن با یکدیگر مترادف دارند و فرهنگ همان تمدن است. تفکیک معنایی میان این دو نتیجه عدم درک این حقیقت است که مدنیت جامعه فرهنگ آن و فرهنگ نیز همان مدنیت است.

دیدگاه دوم، رابطه بین فرهنگ و تمدن را همانند رابطه روح و جسم می‌داند. هنگامی که بحث تمدن در انگلستان مطرح می‌شود واژه civilization را برای آن به کار می‌برند. ولی ما در ترجمه فارسی این کلمه می‌توانیم واژه‌های مدنیت و شهروندی را اطلاق کنیم. در واقع، تمدن از ریشه مدنیت گرفته شده و شهروندی همان زندگی اجتماعی است که این شکل از زندگی اجتماعی می‌تواند شهری و یا روستایی باشد. اما بعدها به این نکته پی بردند که بین فرهنگ و تمدن تمایزاتی هست. فرهنگ که در زبان انگلیسی به آن **culture** اطلاق می‌شود غیر از civilization است. به همین دلیل، برخی گفتند اصلاً تمدن صورتی از فرهنگ و در واقع، جلوه مادی فرهنگ است و فرهنگ روح حاکم بر تمدن می‌باشد. بنابراین، اگر یک فرهنگ بخواهد تجلی و عینیت یابد، به ظهورات و تجلیات آن فرهنگ، تمدن اطلاق می‌گردد. پس، هر چه فرهنگ از عمق، غنا و ظرفیت بیشتری برخوردار باشد، مظاهر آن تمدن طبعاً عام‌تر، شامل‌تر و فراگیرتر خواهد بود.

دیدگاه سوم، فرهنگ و تمدن را کاملاً از یکدیگر مستقل و متمایز می‌داند؛ همچنان که بین ظاهر و باطن تمایز وجود دارد. در این دیدگاه، تمدن ظاهر است و فرهنگ، باطن. تمدن عین و فرهنگ ذهن می‌باشد. تمدن ماده است و فرهنگ، معنا. فرهنگ، حالات زندگی است، در حالی که تمدن، نظام و سازمان حاکم بر زندگی اجتماعی است. فرهنگ امری است فردی و بر پیشرفت فردی ناظر است، تمدن، ناظر بر پیشرفت‌های اجتماعی می‌باشد.

آنچه که ما در باب فرهنگ اعتقاد داریم، دیدگاه دوم است. معتقدیم تمدن، جلوه‌های مادی یک فرهنگ است. بین فرهنگ و تمدن در عین اینکه تمایزاتی است، یک تعامل جدی هم بین این دو وجود دارد. فرهنگ، روح حاکم بر تمدن و تمدن، تجسم عینی فرهنگ در جامعه است.

نکته مهمی هم که باید به آن اشاره کرد این است که مبانی یک تمدن را همواره باید در فرهنگ حاکم بر آن تمدن جستجو کرد. از آنجا که فرهنگ‌ها متکثرند، مبانی تمدنی هم می‌تواند متکثر باشد. وقتی مبانی تمدنی متکثر باشد، الگوهای تمدنی هم متکثر می‌شود. ممکن است در مکتبی مثل اسلام چند خرده فرهنگ شکل گرفته باشد که هر یک از اینها برای خود مبانی‌ای داشته باشند و از بین این مبانی الگوهای جدیدی از تمدن ارائه شود. بنابراین، در درون یک مکتب براساس تکثر فرهنگ، می‌توان تنوع مبانی داشت و از تنوع مبانی، نیز می‌توان تنوع الگوها را داشت.

بحثی از سوی **هان‌تینگتون** با عنوان «برخورد تمدن‌ها» مطرح شده است که از نظر ما این دیدگاه، نادرست می‌باشد. زیرا هر گونه نزاع، تعامل و یا تقابلی که صورت می‌گیرد، میان فرهنگ‌ها رخ می‌دهد نه بین تمدن‌ها؛ از این رو، یکی از اشکالات بنیادین نظریه برخورد تمدن‌ها، همین امر می‌باشد. نکته دیگر اینکه، ممکن است یک فرهنگ با مظاهر تمدن دیگر هم تقابل داشته باشد اما بین یک تمدن با تمدن دیگر منازعه وجود ندارد.

چگونگی شکل‌گیری یک تمدن: در بررسی شیوه شکل‌گیری یک تمدن، عوامل نقش‌آفرین در شکل‌گیری آن، ماهیت یا مضمون و نیز مراحل تشکیل مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف: عوامل مختلف شکل‌گیری یک تمدن به شرح ذیل می‌باشد:

۱. وجود قوانین و مقررات در جامعه: بدون وجود قانون، هیچ اجتماع منسجمی شکل نخواهد گرفت و نظمی برقرار نخواهد شد. اذا وجود نظم و قوانین و مقررات، شرط ضروری شکل‌گیری تمدن است.
۲. شکل‌گیری دولت و حکومت: اگر تمدن در یک نظام سیاسی شکل نگیرد قهرا با تمدن مواجه نخواهیم بود. هر چند ممکن است فرهنگ وجود داشته باشد، ولی تمدن هنوز ظهور نکرده است.
۳. شکل‌گیری نظامات اجتماعی در جامعه: بایستی در جامعه نظام‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و ... شکل گیرد تا تمدنی ظهور یابد.

۴. **زبان و خط ثبت تاریخ:** به وجود آمدن زبان و خطی که تاریخ یک ملت، رویدادها و تحولات آن را نوشته و تبیین کند، یکی از سازه‌های تمدنی است.

۵. **وجود باورها و ارزشهای مشترک:** تمدن موقعی ظهور و بروز می‌یابد که اجتماع و یا اجتماعات بشری بر عقائد و ارزشهای مشترکی توافق نموده و همه ساحات اجتماعی را بر پایه این باورها و ارزش‌ها بازسازی کرده باشند.

۶. **دین:** یکی از عناصر مهم تشکیل یک سازه تمدنی، دین است. گاهی اوقات دین فراتر از سازه می‌شود که بستگی به ظرفیت دین دارد. گاه دین می‌تواند هم مقررات و قوانین را بسازد، هم نظامات اجتماعی را شکل دهد، و هم باورها و ارزش‌ها را تولید کند، در سازه علوم و دانش‌ها نیز دین می‌تواند جهت‌دهی داشته باشد.

۷. **علوم و دانش‌ها:** دانش مهمترین بخش از سازه‌های تمدن است، دانش جنبه نرم‌افزاری ساحات متعدد یک تمدن را شکل می‌دهد. هرچند مقولاتی چون فرهنگ و هنر نیز از دیگر نرم‌افزارهای تمدن محسوب می‌شوند.

ب: ماهیت و مضمون:

دین اسلام و مبانی شکل‌گیری تمدن

در خصوص مبانی شکل‌گیری یک تمدن سه نظریه مختلف وجود دارد.

۱. **نظریه اسلام** که مبنای شکل‌گیری یک تمدن را فرهنگ می‌داند. تمدن اسلام با عرضه قرآن به جامعه بشری آغاز گردید.

۲. **نظریه مارکسیسم** که مبنای شکل‌گیری یک تمدن را اقتصاد و شیوه‌های تولید اقتصادی می‌داند.

۳. **نظریه لیبرال دموکراسی** که مبنای شکل‌گیری یک تمدن را آزادی می‌داند.

اسلام معتقد است این فرهنگ است که همه جنبه‌های زندگی انسان را پوشش داده و باعث پیشرفت در همه عرصه‌ها می‌شود. اگر فرهنگ یک جامعه دچار مشکل شود طبعاً تمدن و مظاهر تمدنی آن هم دچار مشکل خواهد شد. اگر فرهنگ منحط باشد تمدن هم منحط خواهد شد. اگر فرهنگ متعالی باشد، تمدن هم متعالی خواهد شد. بنابراین اقتصاد یکی از مظاهر تمدنی است که فرهنگ آن را جهت می‌دهد. آزادی یکی از

مقوله‌هاست که فرهنگ می‌تواند آن را جهت داده و ساماندهی کند. نگاه اسلام به تمدن، یک نگاه فرهنگی است، یعنی فرهنگ را محور قرار می‌دهد. از این رو، می‌توان گفت تمدن اسلام با عرضه قرآن به جامعه بشری آغاز می‌شود، فرهنگ و جهان‌بینی جدیدی را تولید می‌کند که این جهان‌بینی جدید بر پایه وحدانیت صرف، شکل گرفته و یک تامل بنیادین برای بشر ایجاد می‌کند تا در نهایت بشر تلاش کند که یک نظام مبتنی بر توحید را ایجاد نماید.

ما می‌توانیم قرآن را به عنوان سرچشمه همه علمی که نظام‌های سیاسی و اجتماعی را می‌خواهند ایجاد کنند، شناسایی کنیم. قرآن، مرکز محتوایی جهان اسلام است. براساس قرآن است که علوم در جامعه اسلامی بسط یافته و همه‌گیر می‌شود. بر همه زنان و مردان واجب می‌شود که به دنبال علم بروند. آگاهی دینی و بصیرت وجوب می‌یابد.

در فرآیند شکل‌گیری تمدن، اولین چیزی که باید روی دهد، بیداری و آگاهی است. قرآن، این بیداری، آگاهی و تفتن را ایجاد می‌کند که بایستی بشر متوجه زندگی خودش اعم از زندگی فردی و اجتماعی باشد، دوست و دشمن را از یکدیگر تشخیص دهد، نظام فکری، امنیتی، اقتصادی و ... خود را سامان دهد.

اسلام عده‌ای از افراد را مأمور می‌کند تا فهم عمیقی نسبت به دین پیدا کنند تا بتوانند براساس آن، نظامات مربوط به یک تمدن را بازسازی کرده و معرفی نمایند. براساس این فهم عمیق، الگو ارائه کرده و حکومت تشکیل دهند و بتوانند باورها و ارزش‌های مردم را تحکیم کنند تا بتوانند به یک وحدت و اشتراک دست یافته و نهایتاً امتی را تشکیل دهند که امت معتدل و الگو باشد. و این خواست خداست «و کذلک جعلناکم امته وسطا ...»

ما معتقدیم دین مبین اسلام در حال حاضر در مرحله اول تمدن‌سازی، یعنی ایجاد بیداری و هوشیاری در قیام برای مسلمانان بسیار موثر و تاثیرگذار ظاهر شده است. این جریانات بیداری که شما در جوامع اسلامی ملاحظه می‌کنید منبث از اسلام است. خیلی از افراد ممکن است این جریان را بیداری اسلامی ندانند و آن را بهار عربی بنامند و یا آن را استقرار نظام لیبرال دموکراسی در کشورهای خاورمیانه دانسته و بگویند استعمار آمده است تا در این کشورها این نوع دموکراسی را ایجاد کند.

اما در اینجا دلایلی ذکر خواهد شد که بیانگر اسلامی بودن جریان این بیداری است:

۱. افرادی که در این جریان فعال بوده و قیام می‌کنند مسلمانند.

۲. مطالبات ایشان عدالت‌خواهانه و استقلال‌طلبانه است، یعنی همان چیزهایی که اسلام به آنها تاکید و تصریح می‌کند.
۳. نمادهای مذهبی در این قیام‌ها محوریت دارد. از جمله اینکه کشتگان خود را شهید اعلام می‌کنند، مساجد را پایه و مرکز قیام خود قرار می‌دهند، روحانیت و انسان‌های مذهبی به عنوان رهبر قرار می‌گیرند، شعارهایشان اسلامی است و نمازهایشان در میادین برپا می‌شود.
۴. ریشه‌های تاریخی کشورها را که بررسی کنیم می‌بینیم این کشورها در درون تمدن اسلامی ظهور و بروز پیدا کرده‌اند قبلاً ما یک تمدن اسلامی داشتیم و این کشورها در مهد این تمدن بوده‌اند.
۵. احزاب و نیروهای اسلام‌گرا در این کشورها به صورت فعال، صحنه‌گردان این حرکت‌ها و قیام‌ها هستند.
۶. وقتی این قیام‌ها به پیروزی می‌رسند نتایج و علاقه به اسلام‌گرایی رخ پیدا می‌کند و هنگامی که برخی از این اهداف اسلامی توسط دولت مستقر تعقیب نمی‌شود مجدداً موج مردمی به خیابان‌ها کشیده می‌شود و مردم اظهار می‌دارند که هنوز انقلاب تمام نشده است چرا که هنوز به اهداف اسلامی خویش نرسیده‌اند.
۷. همه افراد این قیام‌ها دشمن مشترکشان را آمریکا و اسرائیل می‌دانند که دشمن جهان اسلام هستند، مورد هدف و حب و بغض خود قرار دهند.
۸. از آنجا که جریان‌های سکولاریستی، ناسیونالیستی و اندیشه‌های مارکسیستی و غرب‌گرا تا کنون نتوانسته‌اند در این کشورها موفق ظاهر شوند لذا تنها جریانی که مورد توجه مردم است، جریان اسلام‌گراست.
۹. وقتی نظریات غربی را بررسی می‌کنیم بسیاری از آنها معتقدند که این جریان، اسلامی است و حتی اگر غرب هم بخواهد که این جریانات را به نفع خود مصادره کند، خواست مردم چیز دیگری است. نظرسنجی‌های صورت گرفته نشان‌دهنده این است که افراد این کشورها می‌خواهند اهداف اسلامی در جوامع‌شان محقق شود.
۱۰. نقش مراکز علمی حوزوی چه شیعی و چه سنی در این تحولات اجتماعی کاملاً پررنگ است.
۱۱. مردم در قبال فشارهای ضد دینی، خشم عمومی خود را ابراز می‌کنند و این نشان‌دهنده آن است که این حرکات اسلامی می‌باشد.

ج: مراحل شکل‌گیری تمدن اسلامی

- **بیداری و آگاهی:** خودآگاهی جمعی از طریق باورهای مشترک ایجاد شده و تردیدی نیست که قیام‌هایی در این زمینه رخ داده است.
- **ایجاد حکومت اسلامی:** در مرحله دوم تمدن‌سازی بایستی حکومت اسلامی تشکیل گردد تا نه تنها اجرای احکام اسلامی را در دستور کار خود قرار دهد بلکه همه ابعاد اجتماعی اسلام را نیز بخواهد بر اساس اسلام متحول کند.
- به برکت رهبری داهیانه امام و قیام عمومی ملت ایران این حرکت در نظام اسلامی محقق شده است، یعنی ملت ایران در مسیر تمدن‌سازی چندین گام را برداشته است.
- **تشکیل دولت اسلامی:** در تمدن‌سازی اسلامی نباید دولت غرب‌گرا و وابسته به بلوک شرق و غرب باشد، بلکه باید دولتی باشد که در باورها و ارزش‌های خود در همه عرصه‌ها به دنبال حاکمیت اسلام باشد.
- **جامعه‌سازی براساس اسلام:** باید تلاش شود تا فرهنگ عمومی جامعه در عرصه‌های مختلف نظیر سبک زندگی، نوع زندگی، خوراک و پوشاک، قواعد و مقررات، اسلامی شود تا در نهایت تمدن اسلامی شکل گیرد.

اهم فعالیت‌های جشنواره پژوهشی شیخ طوسی^(ره) در مسیر تمدن‌سازی اسلامی

دبیرخانه جشنواره پژوهشی شیخ طوسی^(ره) در تلاش است تا آن غایتی را که به سمتش در حرکت است ببیند و گام‌هایی را که باید به سمت این غایت برداشته شود، بشناسد و راهبردهایی را در هر مرحله طرح‌ریزی کرده و برای این راهبردها، راهکارهایی در نظر بگیرد تا ابعاد قضیه برای افرادی که می‌خواهند این مسیر را طی کنند، روشن باشد.

در این مسیر، ایران اسلامی مسئولیت بسیار بزرگی دارد زیرا در مرحله بیداری اسلامی و در مرحله جهت‌گیری به سمت تمدن اسلامی گام‌های موفق‌تری برداشته و پیش‌تاز بوده است. بایستی راه‌های طی نشده را برای سایر ملت‌های مسلمان تبیین و تشریح کند. در سال گذشته عنوان جشنواره شیخ طوسی^(ره) «بیداری اسلامی»

تعیین گردید که به لطف خدا مجموعه خوبی از مقالات جمع آوری و در سه جلد منتشر شد. البته برخی از آثار به دلیل اینکه امتیاز لازم را نیاوردند در مجموعه کتاب قرار نگرفتند. اما همین سه جلد هم مجموعه خوبی بود که تقریباً هدف متولیان جشنواره را محقق کرده و آن غایت و هدفی را که باید به سمت تمدن برداشته شود شناسایی و شیوه های حصول به هر هدف نیز تعیین گردیده است.

حوزه های مختلف تحقیق و پژوهش در باب موضوع جشنواره

یکی از بحث های مهمی که در این باره مطرح است می تواند شامل سرفصل های ذیل باشد:

- ما چه الگوهای تمدنی می توانیم داشته باشیم؟
 - اگر قرار است یک تمدن اسلامی شکل بگیرد، آیا این ظرفیت برای اسلام وجود دارد که یک یا چندین الگوی تمدنی ارائه دهد؟ آن الگو چیست؟
 - اگر در این زمینه الگوهای متکثری باید ارائه شود، دلیل آن چیست؟
 - در نهایت تبیین شود که این الگوها غایتشان به کدامین سمت است و براساس چه مبانی ای شکل گرفته اند؟
 - آیا بین الگوی شیعی پیشرفت، توسعه و تمدن با الگوی سنی تمایز هست؟ چگونه می شود به یک الگوی مشترک تمدنی دست یافت؟
 - در الگوی شیعی تمدن آیا می توان الگوی ایرانی را که انقلاب اسلامی را به ارمغان آورده، به عنوان الگوی تمدنی برای جهان اسلام معرفی کرد؟
- تحقیق دیگری که طلاب می توانند انجام دهند این است که بین مدل الگویی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تمدن اسلامی ارائه کرده اند و الگویی که مسلمانان باید در نسل جدید ارائه دهند یک مطالعه تطبیقی داشته باشند. به بیان دیگر، ظرفیت الگوی ارائه شده توسط پیامبر صلی الله علیه و آله را در عرصه تمدنی برای جهان معاصر بررسی نمایند.
- پژوهش دیگری که می توان انجام داد بررسی ظرفیت های انقلاب اسلامی برای تمدن سازی است. به عبارت دیگر، آیا در جوامع مختلف یا در یک جامعه، انقلاب اسلامی می تواند الگوی تمدن سازی شود؟
- بحث دیگری که می توان مطرح کرد چالشی است که بین تمدن سکولار و تمدن اسلامی می تواند رخ دهد. یعنی بررسی شود که چه نقاط و مراکزی در چالش بین دو تمدن قرار می گیرد؟ فرق بین تمدن سکولار و اسلامی در برون داد نهایی چیست؟ این دو تمدن در چه شاخه هایی با یکدیگر تعارض دارند؟

گاهی اوقات می‌توان چالش‌های بین این دو تمدن را در برخی از علوم بررسی کرد. مثلاً، چالش فقه و اندیشه‌های فقهی با اندیشه‌های سکولار در حوزه تمدنی چیست؟ بسیاری از متفکرین سکولار تلاش می‌کنند این نکته را در میان افراد نهادینه کنند که ما به طور کلی یک مدیریت علمی داریم و یک مدیریت فقهی؛ که مدیریت فقهی با مدیریت علمی ناسازگار بوده و جامعه را باید با مدیریت علمی مدیریت کرد نه مدیریت فقهی. طلاب عزیز می‌توانند ظرفیت فقه را برای مدیریت اجتماع بیان نمایند. همچنین است در باب سایر موضوعات.

سخن آخر

تردید نیست که تمدنی در حال ظهور و بروز است. امروزه نه تنها در حوزه جهان اسلام، مسلمانان به یک بیداری و آگاهی رسیده‌اند، بلکه مسیحیان نیز به نوعی بیداری و خودآگاهی دست یافته و تلاش می‌کنند که جایگاه دین را ارتقا دهند. برخی از مسیحی‌ها وقتی با سوالات جدیدی مواجه گردیدند و متوجه شدند که مسیحیت نمی‌تواند پاسخگوی ایشان باشد، مسلمان شدند. امروز، اسلام در کشورهای اروپایی دیگر اقلیت نیست.

نگرانی اکثر اروپایی این بوده که نکند با فروپاشی شوروی، اروپای شرقی به سمت اسلام گرایش یابد و همانطور که مشاهده می‌شود، این امر اتفاق افتاده و نه تنها در بسیاری از قسمت‌های اروپای شرقی بلکه در اروپای غربی نیز، اسلام رشد یافته است. یکی از دلایل اینکه دیده می‌شود در کشورهای اروپایی، «islamiphobia» و یا «اسلام ستیزی» رواج دارد، این است که اسلام در جوامع اروپایی در حال رشد است و دلیل دومش هم بیداری اسلامی است که در کشورهای مختلف رخ داده است.

جالب است بدانید بسیاری از حرکت‌هایی که جوامع اروپایی علیه جریان بیداری اسلامی انجام می‌دهند به حالت انفعال است. مثلاً اینکه به شنیع‌ترین شکل ممکن، در قالب فیلم و کاریکاتور به پیامبر گرامی اسلام اهانت می‌کنند و نظام‌های سیاسی آنها از ایشان حمایت می‌کند، نشان‌دهنده حالت انفعال جوامع اروپایی و قوت و شدت اسلام‌گرایی در جهان می‌باشد. یکی دیگر از نشانه‌های انفعال این است که زمانی فوکویاما نظریه «پایان تاریخ» را اعلام کرد که براساس این نظریه گفته شد «لیبرال دموکراسی» تنها ایدئولوژی و مکتب حاکم در سراسر جهان خواهد شد. اما با رشد اسلام‌گرایی، انقلاب اسلامی و جریانات بیداری اسلامی انتقادات شدیدی نسبت به این نظریه علیه فوکویاما صورت گرفت. بعدها آقای هانتینگتون مجبور شد از این ایده عدول کرده و بگوید تمدنی به نام اسلام در جهان در حال شکل‌گیری است که در برابر غرب خواهد ایستاد. بنابراین، برخورد

تمدن‌ها شکل خواهد گرفت. یعنی قیام مسلمانان، تئوری غربی‌ها را در رابطه با جهان تغییر خواهد داد. امروزه ما در برابر جهانی شدن غربی، جهانی شدن مقاومت را داریم. مقاومت در برابر سلطه غرب.

بنده این امر را بسیار جدی می‌دانم که اگر مسلمانان پژمرده باشند و تحرکی نکنند، تئوری‌های غربی‌ها جامعه عمل خواهد پوشید و غربی‌ها بر جهان سلطه خواهند یافت. اما در صورت تلاش و پشتکار و حضور در صحنه علمی و اجتماعی، ورق به نفع جهان اسلام بر خواهد گشت. بنابراین عرصه برای تأمل و اندیشه در باب اسلام، برای همه مسلمانان، چه اندیشمندان اسلامی و چه حوزه‌های علمیه، یک ضرورت و حتمیت است. وظیفه شما طلاب گرامی و حوزه‌های علمیه در این عرصه بسیار سنگین است. اگر در گذشته حوزه‌های علمیه تنها مترصد این بودند که فتوایی صادر کنند و احکام فردی را بیان نمایند، امروز من و شما بایستی جهت حرکت یک جامعه و جهت حرکت جهان اسلام را مشخص و بیان کنیم. در آینده نیز باید جهت حرکت بشریت را ترسیم نماییم. امروز، وظیفه اصلی و محوری حوزه‌های علمیه، جهاد علمی برای برون‌رفت از معضلات جهان اسلام است و باید جامعه را به سمت سعادت ببرد که اسلام، برای بشر به ارمغان آورده است:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی هر عیب که هست از کم کاری ماست.

اگر در جامعه اسلامی، ما امروز با ضعف‌هایی در حوزه اقتصاد مواجهیم یک رکن این ضعف، به حوزه‌های علمیه بر می‌گردد. چرا که آنهایی که باید در حوزه فقه اقتصادی فعالیت می‌کردند کار لازم را انجام نداده‌اند. امیدواریم، از این فرصتی که خداوند تبارک و تعالی در اختیار ما قرار داده و به برکت قیام مردم ایران و کشورهای اسلامی در ما ایجاد شده و این عزت و شوکتی که اسلام امروزه پیدا کرده، قدردان آن باشیم و یک مجاهده جدی علمی برای ارتقای کیفی در سطح جهان اسلام داشته باشیم. ان شاء الله.

تصاویر نشست

